

فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، علمی - پژوهشی، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰

### مبانی واژه‌شناختی نقد ترجمه در ایران معاصر (۱۳۲۰-۱۳۵۷)<sup>۱</sup>

سید محمدرضا هاشمی (دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد)

hashemi@um.ac.ir

امیر داوود حیدر پور (کارشناس ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسوول)

Amir.davood.heidarpour5@gmail.com

#### چکیده

تاریخ پژوهی ترجمه یکی از زمینه‌های جدیدی است که در سال‌های اخیر بیش از پیش نظر ترجمه‌پژوهان را به خود جلب کرده است. یکی از مصادیق این گونه تاریخ پژوهی بررسی تاریخ نقد ترجمه در یک فرهنگ است، چه از این طریق می‌توان به چگونگی ارتباط میان نظریه و عمل ترجمه در آن فرهنگ پی برد و میزان توسعه یافتگی ترجمه را در آن دریافت. از آنجا که در فرهنگ زبان فارسی، نقد ترجمه به صورت جدی مورد توجه بوده است و در عین حال تعداد پژوهش‌های مستقل در مورد آن اندک است، پژوهش حاضر بر آن است تا بخشی از تاریخ نقد ترجمه در ایران را بررسی و مبانی واژه‌شناختی به کار گرفته شده در نقدها را تحلیل نماید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری از مفاهیمی که در دوره جدید مطالعات ترجمه در حوزه واژه‌شناسی نقد ترجمه مطرح گردیده، در نقدهای نوشته شده به قلم مستقدان ایرانی پیش از انقلاب اسلامی به کار گرفته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** تاریخ پژوهی، نقد ترجمه، واژه‌شناسی، مطالعات ترجمه، ترجمه پژوهی.

---

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی امیر داوود حیدرپور با عنوان «بررسی انتقادی تاریخ نقد ترجمه در ایران معاصر (۱۳۲۰-۱۳۵۷)» است که در دانشگاه فردوسی مشهد به راهنمایی دکتر محمد رضا هاشمی انجام گردیده است.

## ۱. مقدمه

بررسی تاریخ ترجمه در سال‌های اخیر توجه گروهی از ترجمه پژوهان را به خود جلب کرده و یکی از محورهای مهم مطالعات ترجمه شده است. به عقیده دلشت<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) تاریخ ترجمه از آن جهت اهمیت دارد که «اندیشه امروز ما بر آمده از آن است» (به نقل از هرمانز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹، ص ۹۹). به سخن دیگر، امروز ما همان است که از دیروزمان به ارث برده‌ایم و از این رو واکاوی گذشته هر ملتی در حوزه ترجمه می‌تواند راهگشای تبیین وضعیت امروز آن و راهنمای فردای ترجمه در آن ملت باشد.

یکی از زمینه‌های فعالیت در حوزه تاریخ پژوهی ترجمه، تاریخ نگاری<sup>۳</sup> ترجمه است. به عقیده وودزورث<sup>۴</sup> (۱۹۹۹، به نقل از بیکر، ۱۹۹۹، ص ۱۰۰) تعریف نوع «رابطه میان رخداد‌های گذشته و نگارش تاریخ که به ثبت آن‌ها می‌پردازد» از اهمیت زیادی در تاریخ نگاری برخوردار است. از نظر او در این زمینه در سال‌های اخیر تحولی بنیادین رخ داده چنانکه باور قرن نوزدهمی مبنی بر ثبت عینی حقایق و وقایع تاریخی بدون کوچکترین دخالت تاریخ نگار جای خود را به «بازنمایی<sup>۵</sup> اندیشه گذشته از دریچه ذهن خود تاریخ نگار» داده است (کالینگوود<sup>۶</sup>، ۱۹۶۲، ص ۲۱۵ به نقل از وودزورث، ۱۹۹۹، ص ۱۰۱). به سخن دیگر، در دیدگاه جدید تاریخ نگار مجاز است نظر خود را در تحلیل و توصیف وقایع تاریخی دخالت دهد. افزون بر این، وودزورث میان تاریخ و تاریخ نگاری تمایز قایل است. از نظر او (همان) تاریخ، بیان «رخداد‌های گذشته در قالب روایی» است و تاریخ نگاری «گفتمان<sup>۷</sup> حاکم بر داده‌های تاریخی است که بر اساس اصولی مشخص سازماندهی و تحلیل می‌شود» (همان).

بر این اساس او تاریخ ترجمه را ناظر بر عمل یا نظر ترجمه و یا هر دوی آن‌ها می‌داند. مطابق طبقه بندی این ترجمه پژوه، تاریخ ترجمه در حوزه عملی ترجمه می‌تواند مواردی چون نوع آثار ترجمه شده، مترجمان، شرایط حاکم بر تولید ترجمه و «بافت اجتماعی یا سیاسی» حاکم بر آن را در برگیرد. در حوزه

در آخرین بند از کتابنامه آمده است  
**Comment [H1]:**

در کتابنامه موجود نیست!  
**Comment [PA2]:**

1. D'hulst
2. Theo Hermans
3. Historiography
4. Woodsworth
5. Re-enactment
6. Collingwood
7. Discourse

نظری نیز تاریخ ترجمه به کاوش در مواردی چون آرا و گفته‌های مترجمان پیرامون حرفه خود، چگونگی ارزیابی ترجمه در ادوار تاریخی مختلف، پیشنهادات مترجمان، نحوه آموزش ترجمه، و چگونگی ارتباط این گفتمان با دیگر گفتمان‌های زمان خود را می‌پردازد.

با توجه به آنچه عنوان شد، نقد ترجمه را می‌توان از جمله زمینه‌های قابل بررسی در تاریخ پژوهی ترجمه به شمار آورد. بررسی تاریخ نقد ترجمه در یک فرهنگ از ان جهت حائز اهمیت است که از این طریق می‌توان به چگونگی ارتباط میان نظریه و عمل ترجمه در آن فرهنگ پی برد و میزان توسعه یافتگی ترجمه را در آن دریافت، چنانکه به اعتقاد نیومارک<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) نقد ترجمه مهم‌ترین جلوه «پیوند نظریه و عمل ترجمه» و آینه تمام نمای جایگاه ترجمه در فرهنگ یک ملت است. از سوی دیگر منتقدان ترجمه در کشورهایی که ترجمه در آن محترم شمرده می‌شود و بخش مهمی از ساختار ادبی و فرهنگی آن‌ها را تشکیل می‌دهد، با تمسک به نقد، به طور غیر مستقیم به تعیین هنجارهای ترجمه مقبول و تحمیل آن بر جریان عام ترجمه در آن فرهنگ مبادرت می‌ورزند. بنابراین از دیگر مزایای بررسی تاریخ نقد ترجمه، پی بردن به هنجارهای مورد نظر اهل ادب یک فرهنگ در زمینه‌های معنائشناختی<sup>۲</sup>، سبک‌شناختی<sup>۳</sup>، روش‌شناختی<sup>۴</sup>، واژه‌شناختی<sup>۵</sup> و نحو و مقایسه آن با وضعیت کنونی این هنجارها در آن فرهنگ است.

از سوی دیگر، در دهه‌های اخیر نقد ترجمه در بُعد نظری اهمیت بیشتری در نظر ترجمه پژوهان یافته است چنانکه هولمز<sup>۶</sup> (۱۹۸۸) در نقشه پیشنهادی خود برای مطالعات ترجمه، نقد ترجمه را زیر مجموعه مطالعات کاربردی ترجمه قرار داده و شاخه‌ای جداگانه به آن اختصاص داده است. مگ براون<sup>۷</sup> (۱۹۹۴)، به نقل از ماندی، ۲۰۱۲، ص ۲۳۲ نیز نقش نقد ترجمه را در «آگاه ساختن خوانندگان از ارزش ترجمه‌های تازه انتشار یافته» مورد تأکید قرار می‌دهد. ویلیکوفسکی<sup>۸</sup> (۱۹۸۸، ص ۷۱) نقد ترجمه را

در کتابنامه موجود نیست! Comment [PA3]:

در کتابنامه آمده است Comment [H4R3]:

1. P. Newmark
2. Semantics
3. Stylistics
4. Methodological
5. Lexicology
6. J. S. Holmes
7. M. Brown
8. Wilikovsky

«ابزاری برای توصیف حقایق قابل مشاهده در جریان ارتباط میان دو ادبیات مستقل» می‌داند و بیکر (۲۰۰۹، ص ۲۳۷) آن را فعالیتی مبتنی بر ارزشیابی می‌شمارد که در پاسخ به ترجمه‌های مستتر شده ارایه می‌شود.

Comment [H5]: در دومین بند از کتابنامه آمده است

Comment [PA6]: در کتابنامه موجود نیست!

محققان ترجمه در دهه‌های اخیر کوشیده‌اند تا با تکیه بر بازخوانی نقدهای نوشته شده بر ترجمه‌های مختلف، به «مستند سازی بافت پیچیده ارزشیابی ترجمه» پردازند. رهاورد این کوشش، تبیین انگیزه‌های فردی منتقدان و ملاک‌های داوری آن‌هاست (بیکر و سالدانا، ۲۰۰۹، ص ۲۳۸). از سوی دیگر بازخوانی سنت نقد ترجمه، جایگاه ترجمه و مترجم را در فرهنگ به روشنی به تصویر می‌کشد (مگ براون، ۱۹۹۴، به نقل از ماندی، ۲۰۱۲، ص ۲۳۲). در ایران نیز سال‌هاست نقد ترجمه صورت می‌گیرد و افراد زیادی در این زمینه قلم زده‌اند اما کوششی جدی در بازخوانی سنت نقد ترجمه در فارسی صورت نگرفته است چنانکه تقی‌زاده (۱۳۸۵) ضمن اشاره به اهمیت نقد آثار ترجمه شده ادبی، خلاء پژوهشی درباره کیفیت نقدهای نوشته شده در این حوزه را در ایران گوشزد می‌کند: «در فرهنگ ما ... درباره کم و کیف نقد و نقد نویسی آثار ترجمه شده ظاهراً نه تحقیقی صورت گرفته و نه مطلب چندانی نوشته شده است، حال آنکه نقد آثار ترجمه شده ادبی خود بخشی از خلاقیت‌های ادبی است که می‌تواند هم راهنمای مترجمان ما باشد و هم به جامعه کتابخوان ما آگاهی‌هایی بدهد» (تقی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۸۱).

با توجه به آنچه مطرح شد، پژوهش حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از مفاهیم موجود در حوزه مطالعات ترجمه به توصیف و بررسی مبانی واژه‌شناختی مورد نظر منتقدان ترجمه در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ پردازد. از این رو این تحقیق در پی یافتن پاسخ برای این پرسش است که آیا منتقدان ترجمه در بازه زمانی یاد شده مبانی واژه‌شناختی معینی را برای نقد ترجمه مد نظر داشته‌اند؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد، این مبانی چه بوده است؟ پرسش فوق بر اساس این فرض استوار است که منتقدان ترجمه مبانی واژگانی مشخصی را در نقدهای خود به کار نگرفته‌اند.

1. G. Saldanha
2. J. Munday

## ۲. پیشینه پژوهش

از جمله ترجمه پژوهانی که در سال‌های اخیر کوششی جدی در ارایه مدلی علمی برای نقد ترجمه انجام داده‌اند، جولیان هاوس<sup>۱</sup>، زبان شناس و نظریه پرداز آلمانی است. هاوس (۲۰۰۱) ترجمه را فعالیتی می‌داند که در آن اصل بر حفظ «معنای واحدهای زبانی» در فرایند انتقال از زبانی به زبان دیگر است و بر همین اساس، سه رویکرد متفاوت را به نقد ترجمه شناسایی کرده است که هر یک تعریف جداگانه‌ای از «معنا» دارند. این سه رویکرد عبارتند از: ذهن‌گرایی<sup>۲</sup>، واکنش-محوری<sup>۳</sup> و متنی-گفتمانی. یکی از جلوه‌های رویکردهای متنی-گفتمانی به نقد ترجمه، مدل‌های مبتنی بر تحلیل متن است که با آنچه تحقیق حاضر بدان پرداخته است، تناسب بیشتری دارد. به اعتقاد بیکر و سالدانا (۲۰۰۹) مدل‌های متن-محور نقد ترجمه مبتنی بر تحلیل رفتار متن ترجمه در زبان مقصد هستند و از این رو به بررسی هدف مترجم و راهبردهای مورد استفاده او در جریان ترجمه می‌پردازند. این مدل‌ها بیشتر توصیفی و مقابله‌ای هستند و چارچوب مشخصی برای قضاوت در خصوص ترجمه ارایه می‌دهند. از جمله مدل‌های مطرح در این زمینه می‌توان به مدل ویلس<sup>۴</sup> (۱۹۸۲)، فن در بروک<sup>۵</sup> (۱۹۸۵)، دادز<sup>۶</sup> (۱۹۹۲)، مری اسنل هورنبای<sup>۷</sup> (۱۹۸۸)، ویلیکوفسکی (۱۹۸۸)، کیرکوف<sup>۸</sup> (۱۹۸۸)، نیومارک (۱۹۸۸)، حطیم و میسن<sup>۹</sup> (۱۹۹۰)، نیوبرت و شرف<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۲) و رایس<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۰) اشاره کرد. در ادامه الگوی نیومارک (۱۹۸۸) و آن بخش از الگوی رایس که محور پژوهش حاضر قرار گرفته است (۲۰۰۰) به دلیل جامعیت بیشتر و کاربردی بودن مبانی آن‌ها در مقایسه با سایر مدل‌های پیش گفته، بررسی خواهد شد.

در کتابنامه آمده است: Comment [H7]:

## ۲.۱. الگوی نیومارک

1. J. House
2. Mentalist Views
3. Response-based Approaches
4. W. Wills
5. Van Der Broeck
6. J. M. Dodds
7. Mary Snell-Hornby
8. Kirkov
9. Hatim & Mason
10. Neubert and Sherev
11. K. Reiss

همان طور که پیشتر ذکر شد، الگوی پیشنهادی نیومارک (۱۹۸۸) برای نقد ترجمه در شمار الگوهای متن - محور جای می‌گیرد و در نتیجه «قلب آن مقابله است» (بیکر و سالدانا، ۲۰۰۹، ص ۲۳۸). در این مدل، هدف اصلی از نقد ترجمه ارزیابی میزان خوب یا دقیق بودن ترجمه نیست، بلکه مقصود بررسی علل انتخاب‌های مترجم است. از همین رو در این رویکرد، نقد به نوعی راهبر ترجمه است و از طریق آن می‌توان به پرسش‌هایی از این دست پاسخ گفت که «مترجم چقدر مجاز به فاصله گرفتن از الفاظ نویسنده اصلی است و یا تا کجا می‌تواند همت خود را مصروف پیام، مفهوم یا روح حاکم بر متن اصلی کند» (نیومارک، ۱۹۸۸، ص ۱۸۶).

بدین منظور، در الگوی نیومارک (همان) پنج مرحله برای نقد ترجمه مطرح شده است که عبارتند از: تحلیل اجمالی متن اصلی با رویکرد تبیین مقصود و جنبه‌های کارکردی آن؛ بررسی تفسیر مترجم از مقصود متن مبدأ، بررسی روش ترجمه مترجم و ارزیابی مخاطب ترجمه؛ مقابله تفصیلی ترجمه با متن مبدأ؛ ارزشیابی ترجمه از دو منظر مترجم و منتقد و در نهایت ارزیابی جایگاه احتمالی ترجمه در فرهنگ و زبان مقصد.

اولین مرحله از نقد ترجمه در الگوی نیومارک عبارت است از تحلیل متن مبدأ، بررسی ویژگی‌ها و خصوصیات آن و تعیین دیدگاه نویسنده درباره موضوع مطرح شده در متن و نیز نوع مخاطب متن. هدف از این تحلیل ارزیابی زوایای مختلف متن اصلی و بررسی میزان و نوع تغییراتی است که مترجم می‌تواند در ترجمه اعمال کند. برای مثال در صورتی که متن اصلی محتوا - مدار باشد و نویسنده برای انتقال مقصود خود در بخشی از متن استعاره‌ای آورده باشد، مترجم اجازه دارد آن را مطابق انتظارات زبانی و فرهنگی مخاطب در زبان مقصد ترجمه کند و از انتقال لفظ به لفظ آن خودداری نماید. طرح مضامین موجود در متن اصلی از دیگر مواردی است که در مرحله تحلیل متن بدان پرداخته می‌شود.

تشخیص هدف مترجم دومین مرحله از نقد ترجمه در نظریه نیومارک است که در آن متن از «زاویه دید مترجم» و بر مبنای مواردی چون ترجمه افزایی<sup>۱</sup>، ترجمه کاهی<sup>۲</sup> و میزان توفیق مترجم در انتقال عناصر فرهنگی موجود در متن اصلی به ترجمه بررسی می‌گردد. افشاگری در خصوص تقلب‌های

## 1. Overtranslation

۲. تعبیری که فرزند و دیگران (۱۳۸۵) برای Undertranslation به کار گرفته‌اند.

زبانی روی داده در ترجمه از دیگر مواردی است که در این مرحله بدان پرداخته می‌شود. گاه مترجم قسمت‌هایی از متن اصلی را متوجه نمی‌شود و به همین دلیل با پیگیری راهبرد حذف، سبب بدفهمی اثر نویسنده در زبان مقصد می‌گردد؛ به عقیده نیومارک (همان) در اینجا منتقد موظف است دست مترجم را رو کند و به ناقص بودن ترجمه اشاره نماید.

چگونگی رفتار مترجم در قبال سبک متن اصلی از دیگر مواردی است که در دومین مرحله از نقد ترجمه در الگوی نیومارک مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. البته مقصود نیومارک در اینجا بررسی مواردی است که در آن سبک نوشته در ترجمه بر هم می‌خورد. برای مثال گاه مترجم به عمد رنگ کهنگی بر نثر روزمره ترجمه می‌نشانند و گاه تعابیر استعاری نویسنده را تعدیل و یا به زبان عامیانه برمی‌گردانند. به عقیده نیومارک (همان) در مواجهه با مواردی از این دست نباید یکسره مترجم را تخطئه کرد، بلکه ابتدا باید انگیزه او را از اتخاذ چنین راهبردی مشخص نمود و سپس درباره آن قضاوت کرد؛ چه بسا مترجم مقصود خاصی از این هنجارشکنی سبکی در نظر داشته که با کشف آن، راهبرد مورد استفاده او توجیه پذیر به نظر رسد و با انسجام منطقی متن سازگاری داشته باشد.

مقابله ترجمه با اصل سومین مرحله از نقد ترجمه در نظریه نیومارک است که در طی آن منتقد راهکارهایی را بررسی می‌کند که مترجم در حل مشکلات خاص متن اصلی به کار بسته است. البته همان طور که پیش‌تر گفته شد، تحلیل خصلت‌های زبانی متن اصلی پیش نیاز مقابله ترجمه با اصل است. جدا از این مساله، نیومارک (همان، ص ۱۸۸) ردیف کردن اشتباهات مترجم پشت سر هم را مناسب نمی‌داند و پیشنهاد می‌کند که منتقد ابتدا مهم‌ترین نکات مورد نظر خود را گزینش نماید و سپس ذیل عناوینی کلی چون «عنوان»، «ساختارها»، «تغییرات اعمال شده در متن»، «استعارات»، «واژگان فرهنگی»، «اسامی خاص»، «نوواژگان»، «واژگان ترجمه ناپذیر»، «ابهام»، «بازی با واژگان»، و غیره نکات مزبور را مطرح کند. افزون بر این، نیومارک پاسخ به چرایی انتخاب‌های مترجم را «قلب نقد ترجمه» می‌داند و از همین رو صرف رایه پیشنهاد برای اصلاح اشکالات ترجمه را کافی نمی‌داند بلکه معتقد است منتقد باید به طور کامل ایرادات خود را تبیین نماید و راه‌حل‌های پیشنهادی خود را توضیح دهد. ارزیابی ترجمه مرحله دیگر در الگوی نقد ترجمه از نظر نیومارک است که در دو مرحله صورت می‌پذیرد: با در نظر گرفتن متن اصلی و مستقل از متن اصلی. در مرحله نخست «صحت ارجاعی و

منظورشناختی» ترجمه از زاویه دید مترجم سنجیده می‌شود؛ در اینجا دو سنجه اصلی مورد نظر است: میزان توفیق مترجم در محقق ساختن کارکرد اصلی متن مبدا در ترجمه و کیفیت انتقال «عنصر تغییرناپذیر اساسی»<sup>۱</sup> یا به عبارت بهتر، اندیشه حاکم بر متن اصلی به متن مقصد. سپس منتقد با توجه به معیارها و سنجه‌هایی که خود برای «صحت ارجاعی و منظورشناختی» متن قایل است به ارزیابی ترجمه می‌پردازد. سنجه اصلی در اینجا کیفیت معنایی و نقایص احتمالی ترجمه است؛ این نقایص یا از موارد اجتناب‌ناپذیر است و یا مولود کم توانی مترجم که تشخیص آن با منتقد است. افزون بر موارد پیش گفته، منتقد در مرحله دوم کیفیت ترجمه را مستقل از اصل و با توجه به سنجه‌های حاکم بر متون تالیفی مقبول در زبان مقصد می‌سنجد.

بررسی جایگاه ترجمه در نظام ادبی مقصد آخرین مرحله از نقد ترجمه در الگوی نیومارک است. منتقد در این بخش در خصوص اهمیت متن اصلی در زبان مبدا و کیفیت محتوایی آن به اجمال سخن می‌گوید و سپس اهمیت ترجمه در زبان و فرهنگ مقصد و میزان تاثیرگذاری آن بر اندیشه و ساختار ادبی زبان مقصد را می‌سنجد. به سخن دیگر، منتقد در این بخش جایگاه متن ترجمه شده را در نظام چندگانه ادبی زبان مقصد پیش بینی می‌کند و ارزش افزوده آن را برای سرمایه ادبی آن زبان می‌سنجد.

## ۲.۲. الگوی رایس

چنانکه گفته شد، اساس رویکردهای نقد ترجمه متن-محور بر مقابله متن مبدا با مقصد استوار است و معمولاً با هدف شناسایی قواعد معنایی، نحوی، سبکی و منظورشناختی حاکم بر ترجمه صورت می‌پذیرد (بیکر و سالدانا، ۲۰۰۹). رایس (۲۰۰۰) از نخستین ترجمه‌شناسانی است که با توجه به معیارهای حاکم بر گونه‌شناسی متون، مدلی برای نقد ترجمه ارائه داده است. در نظر او «متن» عنصر تغییرناپذیر در جریان ترجمه است و بر کلیه انتخاب‌های مترجم و راهبردهای ترجمه‌ای مورد استفاده او تاثیر می‌گذارد.

رایس در مدل پیشنهادی خود کلیه مواردی را که در دآوری ترجمه موثر می‌داند ذکر کرده است: بررسی و تحلیل جامع متن مبدا از منظر عوامل زبانی و فرازبانی و مقابله آن با ساختار متن ترجمه و نیز



تأثیر «عادتواره»<sup>۱</sup> های منتقد در قضاوت نهایی او از ترجمه؛ بدین منظور رایس (۲۰۰۰) سه مقوله اصلی را در مدل پیشنهادی خود برای نقد ترجمه تعریف کرده است که هر یک زیرشاخه‌هایی دارد: مقوله ادبی (گونه‌شناسی متون)؛ مقوله زبانی؛ مقوله فرازبانی که از این میان مقوله زبانی مورد نظر پژوهش حاضر است.

مقوله زبانی در نظریه رایس (۲۰۰۰) به ویژگی‌های زبان شناختی نظام‌های زبانی اشاره دارد که خود به چهار دسته تقسیم می‌شود: ویژگی‌های معنایی، واژگانی، نحوی و سبکی. در این مرحله، منتقد میزان توفیق مترجم را در پرداختن به این دسته از ویژگی‌های زبانی بررسی می‌کند و از طریق مقایسه دو متن مبدا و مقصد از منظر ویژگی‌های یاد شده، کیفیت ترجمه را می‌سنجد. به سخن دیگر، مقوله زبانی در دیدگاه رایس به بررسی تعادل در سطوح معنایی، واژگانی، نحوی و سبکی اختصاص دارد.

برخلاف نظریه پردازان حوزه هرمنوتیک و صاحب نظران حوزه شناختی<sup>۲</sup> ترجمه که شروع ترجمه را از ذهن مترجم می‌دانند، عمل ترجمه از نظر رایس (۲۰۰۰) زمانی آغاز می‌شود که مترجم دست به انتخاب برابرنهاده در زبان مقصد می‌زند. بنابراین در حالی که گروه اول رخداد ترجمه را در سطح نظری زبان<sup>۳</sup> می‌جویند، رایس همچون دیگر ترجمه‌شناسان مکتب آلمان، ترجمه را در سطح عملی زبان<sup>۴</sup> تحقق‌پذیر می‌داند؛ از همین رو عمل ترجمه از دیدگاه رایس در درجه اول مستلزم شناسایی برابرنهاده‌های بالقوه در زبان مقصد و سپس انتخاب «برابر»ی است که هم با بافت خاص متن و هم با بافت کلی آن هماهنگ باشد. به سخن دیگر، تعادل در این دیدگاه در دو سطح بافتار خرد<sup>۵</sup> و بافتار کلان<sup>۶</sup> محقق می‌گردد. بافتار خرد به تعیین برابره‌های بالقوه و ساختار دستوری جمله در زبان مقصد اختصاص دارد اما بافتار کلان مترجم را در انتخاب برابر مناسب از میان برابره‌های ممکن راهنمایی می‌کند.

- 
1. Habitus
  2. Cognitive
  3. Langue
  4. Parole
  5. Micro-context
  6. Macro-context

چنانکه اشاره شد، از دیدگاه رایس مقولهٔ زبانی در نقد ترجمه به بررسی مفهوم تعادل در سطوح معنایی، واژگانی، نحوی و سبکی اختصاص دارد. به عقیدهٔ او در حوزهٔ واژگانی، ملاک ارزیابی میزان تسلط و مهارت مترجم در استفاده از واژگان تخصصی، اصطلاحات خاص، هم ریشه‌های کاذب، واژگان ترجمه ناپذیر، اسامی خاص، بازی با واژگان، کاربرد اصطلاحی واژگان، ضرب المثل‌ها و غیره خواهد بود. البته رایس (۲۰۰۰) معتقد است منتقد در بررسی موارد یاد شده باید اقتضائات انواع متون را در نظر داشته باشد. برای مثال در متون محتوا-مدار<sup>۱</sup>، حفظ «بازی با واژگان»<sup>۲</sup> در ترجمه به همان صورت اصل، جز در مواردی که معنای متن وابسته به آن است، ضروری نیست اما در متون قالب-مدار<sup>۳</sup> باید در چنین مواردی از ساختاری موازی با اصل در زبان مقصد بهره جست. بنابراین «اگر معیار سنجش اجزای معنایی، «تعادل کامل» ترجمه با متن مبدا باشد، ملاک سنجش اجزای واژگانی ترجمه «کفایت» خواهد بود» (همان، ص ۵۷).

### ۳. روش پژوهش

تحقیق حاضر پژوهشی کتابخانه‌ای است که به مطالعه مبانی واژه‌شناختی نقد ترجمه در ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ می‌پردازد. البته صاحب نظران ترجمه در ایران، تاریخ معاصر ترجمه ایران را از دوران «مشروطیت» به بعد شمرده‌اند و از این رو بازهٔ زمانی تحقیق حاضر می‌توانست از آن دوره شروع شود. اما بررسی مجلات ادبی مطرح آن زمان همچون یادگار (۱۲۹۸-۱۳۲۰) و آینده (۱۳۰۰-۱۳۰۶) نشان داد در فاصله زمانی ۱۲۹۸ شمسی تا ۱۳۲۲، به جز یک مورد، نقد ترجمه دیگری صورت نگرفته است. در عین حال، با توجه به اینکه در دورهٔ یاد شده نقد ترجمه یا انجام نشده و یا به صورت موردی و بسیار اندک صورت گرفته است و از سوی دیگر منابع معتبری نیز جز مجلات پیش گفته در دسترس نیست، بنابراین از بررسی این دوره صرف نظر شد.

- 
1. Content-based
  2. Word-play
  3. Form-focused

از جمله مهم‌ترین مشکلات انجام پژوهش‌های تاریخی مساله محدودیت دسترسی به منابع معتبر است. تحقیق حاضر نیز از این امر مستثنا نبوده است. یکی از مشکلات عمده نقد ترجمه در سال‌های پیش از انقلاب، پراکندگی آن در مجلات مختلف از یک سو و کمیاب بودن برخی از منابع از سوی دیگر است. افزون بر این افراد صاحب نظری که می‌توان سرنخ برخی از نقدهای نوشته شده در دوره مورد نظر تحقیق را از طریق آن‌ها به دست آورد یا همچون ایرج افشار از دنیا رفته‌اند یا دسترسی به آنان بسیار دشوار است. به این دلیل صرفاً نقدهای مندرج در تعدادی از مجلات ادبی پیش از انقلاب مبنای این تحقیق بوده‌اند.

مجلات ادبی که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته‌اند به دو دسته مجلات تخصصی نقد و مجلات غیر تخصصی نقد تقسیم می‌شوند. مجلات تخصصی مجلاتی هستند که در یک بازه زمانی مشخص در محدوده زمانی پژوهش حاضر به طور پیوسته در زمینه نقد ترجمه فعالیت داشته‌اند، مانند مجلات سخن، راهنمای کتاب و انتقاد کتاب. اما مجلات غیر تخصصی عبارت‌اند از نشریاتی ادبی که به طور موردی به نقد ترجمه پرداخته‌اند، همچون مجلات یغما، آینده، دانشکده ادبیات تهران، یادگار، کتاب امروز، کیهان ماه، دانش. شایان ذکر است از بررسی روزنامه‌های دوره یاد شده به دلیل حجم بالا و نیز مستند نبودن نقد روزنامه‌ای صرف نظر شد. همچنین در این بررسی فقط نقدهای نوشته شده بر متون ادبی مورد نظر بوده است.

#### ۴. ویژگی‌های واژه‌شناختی نقد ترجمه ادبی در ایران معاصر (۱۳۲۰-۱۳۵۷)

##### ۴.۱. دهه ۲۰ شمسی

با توجه به منابع در دسترس، در دهه ۲۰ شمسی در مجموع ۲۶ نقد ترجمه نوشته است که از این میان ۱۶ نقد بر ترجمه آثار ادبی و ۱۰ نقد بر ترجمه آثار غیر ادبی نوشته شده است. حوزه واژه‌شناختی نقد ترجمه در دهه ۲۰ شمسی همچون دیگر حوزه‌های نقد در این دوره بسیار ساده است. در عین حال مواردی که در این زمینه مطرح شده نسبت به زمان خود قابل توجه است. در مجموع حوزه واژه‌شناختی نقد ترجمه در این دوره شامل دو عنصر کلی است: هماینها و اعلام. در بررسی نقدهای نوشته شده بر ترجمه در دهه ۲۰ شمسی، به جز خانلری، هیچ یک از منتقدان هماینها را ملاک داوری خود قرار

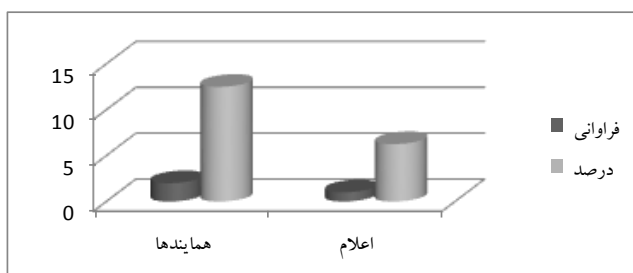
نداده است. خانلری در دو مورد، در نقد ترجمه محمود پورشالچی از رمان رویا نوشته امیل زولا و نیز در نقد ترجمه نیر سعیدی از داستان شطرنج باز، اثر اشتفن زوایگ، با به کارگیری عباراتی نظیر «طرز تعبیر فارسی جز این است» مساله همایندها را مطرح می‌کند.

چگونگی ضبط اسامی خاص در ترجمه از دیگر مبانی مطرح در داوری ترجمه است. در این باره دو مساله مطرح است: چگونگی ضبط اعلام جغرافیایی، تاریخی و اسلامی، و چگونگی ضبط اسامی خاص. در مورد اول، خرمشاهی (۱۳۹۰) معتقد است که در مواجهه با اعلامی که به صورت لاتین در متن اصلی ضبط شده است، مترجم باید به بازشناسی این اعلام بپردازد و صورت تلفظی آن‌ها در زبان اصلی را به دست دهد. برای مثال، به گفته وی، Aleppo نام شهر «حلب» در سوریه است که بعضی آن را به صورت «آلیو» در ترجمه می‌آورند. اما در مورد چگونگی ضبط اسامی خاص در ترجمه دو نظر وجود دارد: گروهی قایل به حفظ صورت اصلی اسامی خاص در متن ترجمه هستند. اما گروه دیگر نظر به ضبط صورت فارسی شده و متداول این اسامی در زبان فارسی دارند. خانلری (۱۳۲۶، ص ۷۱۳) از جمله منتقدانی است که چنین تصویری نسبت به ضبط اسامی خاص در ترجمه دارد چنانکه در نقد ترجمه داستان کارخانه مطلق سازی، اثر کارل چاپک، ترجمه حسن قائمیان، ضبط اسامی خاص به همان صورت معمول در زبان مبدا را از ایرادات ترجمه «قائمیان» می‌داند و می‌نویسد: «ملاک تلفظ رایج اسامی خاص در فارسی است نه آنچه در اصل زبان مبدا معمول است». به جز این، در هیچ یک از ۱۶ نقد نوشته شده بر ترجمه متون ادبی در دهه ۲۰ به مساله «اعلام» پرداخته نشده است.

جدول ۱: ویژگی‌های واژه‌شناختی نقد ترجمه در دهه ۲۰

موارد مطرح شده	فراوانی	درصد
همایندها	۲	۱۲.۵
اعلام	۱	۶.۲۵

در کتابنامه در قسمت خانلری، Comment [H8]: کارخانه مطلق سازی آمده است



نمودار ۱: ویژگی‌های واژه‌شناختی نقد ترجمه در دهه ۲۰

#### ۴.۲. دهه ۳۰ شمسی

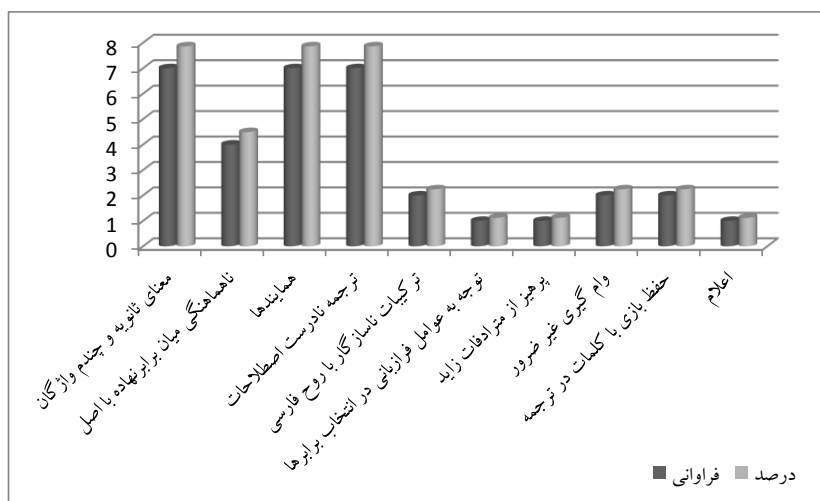
در دهه ۳۰ در مجموع ۸۹ نقد بر متون ترجمه شده ادبی نوشته است. همانند حوزه معناشناختی، بُعد واژه‌شناختی نقد ترجمه نیز در دهه ۳۰ شمسی تحولی جدی می‌یابد. همان‌طور که پیشتر عنوان شد، رایس (۲۰۰۰) مواردی چون میزان تسلط و مهارت مترجم در پرداخت به واژگان تخصصی، اصطلاحات خاص، هم‌ریشه‌های کاذب، واژگان ترجمه‌ناپذیر، اسامی خاص، بازی با واژگان، کاربرد اصطلاحی واژگان و ضرب‌المثل‌ها از جمله مبانی قابل‌ارزیابی در حوزه واژه‌شناختی ترجمه می‌داند؛ مواردی که می‌تواند نقد ترجمه را علمی‌تر و پذیرفتنی‌تر کند.

آنچنان‌که در جدول ۲ مشهود است، بسیاری از موارد پیش‌گفته در نقدهای نوشته شده در دهه ۳۰ شمسی نمود یافته است؛ افزون بر این توجه به مسائلی چون هماینها، نقش عوامل فرازبانی در جهت‌دهی به انتخاب برابر در متن مقصد و پرهیز از مترادفات زاید حاکی از وسعت نظر منتقدان ترجمه در این دوره است. در این میان توجه بیش از پیش منتقدان به مساله هماینها می‌تواند توجیه‌گر دغدغه منتقدان دهه ۲۰ شمسی نسبت به در خطر بودن زبان فارسی باشد چرا که ضعف در به‌کارگیری صحیح هماینها برآمده از ضعف فارسی‌دانی است. از سوی دیگر توجه برخی منتقدان دهه ۳۰ به ناهماهنگی میان برابرنهاده‌ها با اصل که اشاره به انتقال ناقص لایه‌های معنایی واژگان متن اصلی به ترجمه دارد، نشان می‌دهد بینش منتقدان نسبت به دقایق ترجمه و نیز دانش زبانی آنها نسبت به گذشته پیشرفت

محسوسی داشته است و از این رو نقد ترجمه در این دهه به شاخص‌های نقد علمی و مستدل نزدیک‌تر شده است.

جدول ۲: ویژگی‌های واژه‌شناختی نقد ترجمه در دهه ۳۰

درصد	فراوانی	موارد مطرح شده
۷.۸۶	۷	معنای ثانویه و چندم واژگان
۴.۴۹	۴	ناهماهنگی میان برابرنهاده با اصل
۷.۸۶	۷	هماینها
۷.۸۶	۷	ترجمه نادرست اصطلاحات
۲.۲۱	۲	ترکیبات ناسازگار با روح فارسی
۱.۱۲	۱	توجه به عوامل فرازبانی در انتخاب برابرها
۱.۱۲	۱	پرهیز از مترادفات زاید
۲.۲۴	۲	وام‌گیری غیر ضرور
۲.۲۴	۲	حفظ بازی با کلمات در ترجمه
۱.۱۲	۱	اعلام



نمودار ۲: ویژگی‌های واژه‌شناختی نقد ترجمه در دهه ۳۰

## ۴.۳. دهه ۴۰ شمسی

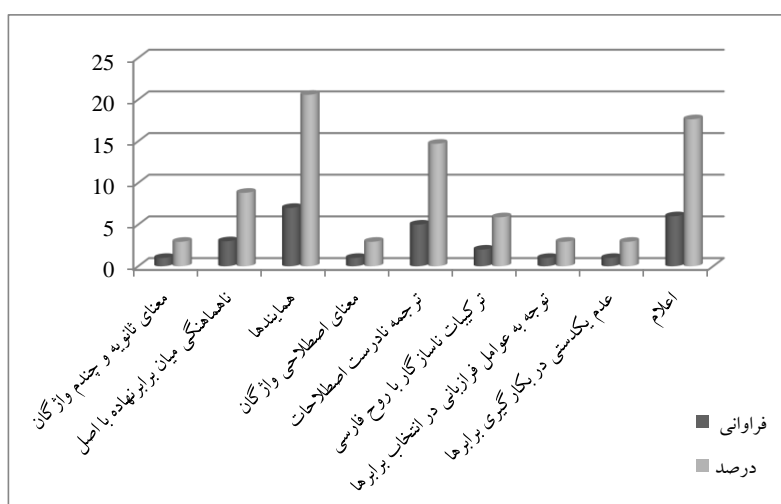
نقد ترجمه در دهه ۴۰ با افت کمی قابل توجهی مواجه می‌شود «چنانچه در سراسر این دهه تنها ۳۴ ترجمه ادبی در بوته نقد محک می‌خورد که در مقایسه با ۸۹ نقد نوشته شده بر متون ادبی در دهه ۳۰، افت تقریباً ۶۰ درصدی را نشان می‌دهد» (حیدرپور، ۱۳۹۱، ص ۱۷۵). بُعد واژه‌شناختی نقد ترجمه نیز در دهه ۴۰ شمسی با افت قابل ملاحظه‌ای روبروست چنانکه به گواه جدول ۳، بیشتر شاخص‌های واژگانی نقد ترجمه در این دوره نسبت به دهه ۳۰ کاهش داشته است. البته در این میان مواردی چون ناهماهنگی میان برابر نهاده با اصل، ترجمه نادرست اصطلاحات و چگونگی ضبط اعلام بیش از دهه ۳۰ توجه منتقدان را به خود جلب کرده است. در عین حال به لحاظ مفهومی، تغییری در شاخص‌ها رخ نداده است. البته در زمینه چگونگی ضبط اعلام که در دهه ۴۰ شش برابر بیش از دو دهه قبل از آن مورد توجه قرار گرفته است، نظر جدیدی نسبت به قبل مطرح می‌شود و آن ضبط اعلام به همان صورت رایج در زبان مبدا است. همان‌طور که پیشتر عنوان شد، خانلری در دهه ۲۰ و رجب‌نیا در دهه ۳۰ شمسی نظر به ضبط صورت فارسی شده اعلام در ترجمه داشتند، اما در دهه ۴۰، منتقدانی چون

حسینعلی ملاح (۱۳۴۷) و ایرج وامقی (۱۳۴۵)، قایل به ضبط اعلام به همان صورت متداول در زبان مبدا هستند و از سوی دیگر مستقدانی چون رضا سیدحسینی (۱۳۴۳)، مسعود رجب‌نیا (۱۳۴۶)، غلامرضا زرین‌چیان (۱۳۴۷) و قاسم صنعوی (۱۳۴۷) نظر خانلری را در این زمینه ارجح می‌دانند. این امر نشان می‌دهد در گذشته نیز همچون حال، اهل ادب بر سر مساله چگونگی ضبط اعلام اتفاق نظر نداشته‌اند. اما توجه به نقش بافت تاریخی در تعیین برابرنهاده‌ها در زبان مقصد از جمله نکات قابل توجه در نقدهای نوشته شده در این دهه است. در همین زمینه، محمد مشیری (۱۳۴۹) در نقد ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ از سفرنامه کاری، به درستی عدم هماهنگی برخی برابره‌های اختیار شده در ترجمه با بافت تاریخی حاکم بر اصل اثر را از ایرادات واژه‌شناختی ترجمه مزبور برمی‌شمرد: «مترجمین به اصطلاحات زمان صفویه آشنا نبوده‌اند ... در همه جای کتاب صدر اعظم و اعتماد الدوله را نخست وزیر ترجمه کرده‌اند» (مشیری، ۱۳۴۹، ص ۴۱۵). رایس (۲۰۰۰) نیز تاثیر بافت تاریخی بر چگونگی و کیفیت انتخاب برابرها در متن ترجمه را انکار ناپذیر می‌داند و معتقد است افزون بر ساختمان واژگانی متن، ساختار دستوری ترجمه نیز باید متناسب با بافت تاریخی متن مبدا به‌گزین شود.

جدول ۳. ویژگی‌های واژگانی نقد ترجمه در دهه ۴۰

درصد	فراوانی	موارد مطرح شده
۲.۹۴	۱	معنای ثانویه و چندم واژگان
۸.۸۲	۳	ناهماهنگی میان برابرنهاده با اصل
۲۰.۲۵	۷	همايندها
۱۴.۷	۵	ترجمه نادرست اصطلاحات
۲.۹۴	۱	معنای اصطلاحی واژگان
۵.۸۸	۲	ترکیبات ناسازگار با روح فارسی
۲.۹۴	۱	توجه به عوامل فرازبانی در انتخاب برابرها
۲.۹۴	۱	عدم یکدستی در به کارگیری برابرها
۱۷.۶۴	۶	اعلام





نمودار ۳. ویژگی‌های واژگانی نقد ترجمه در دهه ۴۰

#### ۴.۴. دهه ۵۰ شمسی

در دهه ۵۰ افت کمی و کیفی قابل توجهی در زمینه نقد ترجمه ادبی رقم می‌خورد چنانکه در این دوره در مجموع ۱۲ نقد نگاشته می‌شود که نیمی از آن بیش از آنکه نقد باشد، معرفی ترجمه<sup>۱</sup> است (حیدرپور، ۱۳۹۱). حوزه واژه‌شناختی نقد ترجمه نیز در این دهه تحت تاثیر این افت کلی بسیار ضعیف است چنانکه در تمام طول این دهه فقط در یک نقد به بُعد واژه‌شناختی ترجمه پرداخته شده که آن هم محدود به ترجمه نادرست برخی اصطلاحات است.

## ۵. نتیجه‌گیری

حوزه واژه‌شناختی نقد ترجمه هر چند به طور سطحی و ابتدایی اما از همان دهه ۲۰ شمسی و در قالب مساله‌های هماینها و اعلام مورد نظر منتقدان بوده است و در سیر تکاملی نقد در دهه‌های بعد، ناهماهنگی میان برابرنهاده‌ها با اصل، ترجمه نادرست اصطلاحات، ترکیبات ناسازگار با روح فارسی، پرهیز از مترادفات زاید، وام‌گیری غیر ضرور و حفظ بازی با کلمات در ترجمه به مجموعه مبانی واژه‌شناختی مورد نظر منتقدان ترجمه افزوده شده است. بنابراین هر چند فردیت منتقد نقش مهمی در کیفیت ارزیابی او از حوزه واژه‌شناختی ترجمه ایفا کرده است، اما فراوانی موارد یاد شده در اکثر نقدهای صورت گرفته در بازه زمانی مورد نظر (۱۳۲۰-۱۳۵۷) گواهی است بر رد فرضیه تحقیق حاضر که مدعی است منتقدان ترجمه مبانی واژگانی مشخصی را در نقدهای خود به کار نگرفته‌اند.

## کتابنامه

- تقی‌زاده، ص. (۱۳۸۵)، نقد و بررسی آثار ترجمه شده ادبی. مترجم، ۱۷ (۴۵)، ۸۱-۹۲.
- حیدرپور، ا. د. (۱۳۹۱). بررسی انتقادی تاریخ نقد ترجمه در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- خرم‌شاهی، ب. (۱۳۹۰). ترجمه کاوی. تهران: انتشارات ناهید.
- رجب‌نیا، م. (۱۳۴۶). خانه قانون‌زده. راهنمای کتاب، ۱۰ (۴)، ۳۷۳-۳۷۷.
- زرین‌چیان، غ. (۱۳۴۷). سفرنامه دوران. راهنمای کتاب، ۱۱ (۶)، ۳۱۳-۳۱۵.
- سیدحسینی، ر. (۱۳۴۳). افسانه سیزیف. انتقاد کتاب، ۲ (۱)، ۷-۱۲.
- صنعوی، ق. (۱۳۴۷). مسافر بی توشه. سخن، ۱۸ (۳)، ۳۳۵.
- مشیری، م. (۱۳۴۹). سفرنامه کاری. راهنمای کتاب، ۱۳ (۷-۵)، ۴۱۲-۴۱۶.
- ملّاح، ح. ع. (۱۳۴۷). زندگی من. راهنمای کتاب، ۱۱ (۲-۱)، ۴۵-۴۸.
- نائل‌خانلری، پ. (۱۳۲۵). شطرنج باز. سخن، ۳ (۲)، ۱۵۴-۱۵۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۵)، رویا | سخن، ۳ (۵)، ۳۸۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۶). کارخانه مطلق سازی. سخن، ۳ (۱۰)، ۷۱۳-۷۱۴.

صفحه ۱۲ پاراگراف اول آمده  
Comment [H9]:  
است

در متن موجود نیست!  
Comment [PA10]:

صفحه ۱۲ پاراگراف اول آمده  
Comment [H11]:  
است

در متن موجود نیست!  
Comment [PA12]:

صفحه ۱۲ آمده است  
Comment [H13]:

در متن موجود نیست!  
Comment [PA14]:

وامقی، ا. (۱۳۴۵). سفرنامه ابودلف. نگین، ۲(۲)، ۳۵-۴۱.

Baker, M. (1998). *Encyclopedia of translation studies* (1<sup>st</sup> ed.). London and New York: Routledge.

\_\_\_\_ & Saldanha, G. (Eds.). (2009). *Encyclopedia of translation studies* (2<sup>nd</sup> ed.). London and New York: Routledge.

Brown, M. (1994). The reception of Spanish American literature in West Germany. In J. Munday (Ed.), *Introducing translation studies: Theories and applications* (pp. 1981-1991). London and New York: Routledge.

Collingwood, R. G. (1962). The idea of history. In M. Baker (Ed.) *Encyclopedia of translation studies* (1<sup>st</sup> ed., pp. 102). London: Routledge.

D'hulst, L. (1995). Pour une historiographie des theories de traduction: Questions de method. In T. Hermans (Ed), *Translation in systems* (pp. 99). Manchester: Jerome publishing.

Dodds, J. M. (1992). Translation criticism in defense of the profession, *Rivista internazionale di tecnica della traduzione*. In M. Baker, & G. Saldanha (Eds.). *Encyclopedia of translation studies* (2<sup>nd</sup> ed., pp. 237-241). London and New York: Routledge.

Hatim, B., & Mason, I. (1990). *Discourse and the translator*. London and New York: Routledge.

Hermans, T. (1999). *Translation in systems: Descriptive and systemic approaches explained*. Manchester, UK: St Jerome Publishing.

Holmes, J. S. (1988b/2000). The name and nature of translation studies. In L. Venuti (Ed.), *The translation studies reader* (2<sup>nd</sup> ed., pp. 180-192). London and New York: Routledge.

House, J. (2001). Translation quality assessment. *Meta: Translators' Journal*, 46(2), 243-257.

Kirkov, D. (1988). Criteria for the appraisal of Belles-letters. *Babel*, 34(4), pp. 227-231.

Munday, J. (2012). *Introducing translation studies: Theories and applications* (3<sup>rd</sup> ed., pp. 232-233). London and New York: Routledge.

Neubert, A., & Sherev, G. (1992). *Translation as text*. Kent, OH: Kent State University Press.

Newmark, P. (1988). *A textbook of translation*. New York and London: Prentice – Hall.

Comment [H15]: ویراست نخست است. در مقاله از هر دو ویراست استفاده شده است

Comment [PA16]: ۲۲۰۰۹

Comment [H17]: ۱۹۹۲ صحیح است

Comment [PA18]: ۲۲۱۹۸۵

Comment [H19]: ۱۹۸۸ صحیح است

Comment [PA20]: ۲۲۱۹۷۲

- Reiss, K. (2000). *Translation criticism—Potentials and limitations: Categories and criteria for translation quality assessment*. Translated by Eroll F. Rhodes, Manchester, UK: St Jerome Publishing.
- Snell-Hornby, M. (1988). *Translation studies: An integrated approach*. Amsterdam and Philadelphia, PA: John Benjamins.
- Van den Broeck, R. (1985). Second thought on translation criticism: A model for analytic function. In T. Hermans (Ed.), *The manipulation of literature: Studies in literary translation* (pp. 54-62). New York: St Martin's Press.
- Vilikovsky, J. (1988). Translation and translation criticism: The elusive criteria. In M. Baker, & G. Saldanha (Eds.), *Encyclopedia of translation studies* (2<sup>nd</sup> ed., pp. 96-99). London and New York: Routledge.
- Wills, W. (1982). *The science of translation: Problems and methods*. Tübingen: Gunter Narr Verlag.
- Woodsworth, J. (1996). History of translation. In M. Baker (Ed.), *Encyclopedia of translation studies* (1<sup>st</sup> ed., pp. 100-105). London: Routledge.

Comment [PA21]: ۱۹۹۹

Comment [H22R21]: صحیح است ۱۹۹۶